

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سال چهارم، شماره چهاردهم، تابستان ۱۳۹۲

لیلیت تحریر برید	ساخت انتشار:
دکتر حساق آینه‌نمود	تحصیل ایرانی تاریخ اسلام
استاد گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس تهران	دیر مسئول
دکتر محمد رضا بارانی	دکتر محمد رضا بارانی
استاد بارگزی، تاریخ دانشگاه آزاد مرداد	سرایه:
دکتر ابروین ترکمنی آذر	دکتر فاطمه جان‌حمدی
استاد زاده‌نگره، تاریخ دانشگاه علوم انسانی و هنرهای فرهنگی	مدیر اجرایی:
دکتر خاچیه جان‌حمدی	حجزه چواصرد
دانشیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد مرداد	کمال الدین نصرتی
دکتر مهدی جالایی	۴۴۵
استاد گروه تاریخ و تحدیث ملل اسلام دانشگاه فردوسی مشهد	ویراستار:
دکتر سید احمد رضا خاوری	مهدی فرمودسی
استاد گروه تاریخ و تحدیث ملل اسلام دانشگاه تهران	مترجم چکیده‌های الکلیسی:
دکتر حسن قندیه	دکتر فویه پارساییان
استاد بارگزی، تاریخ دانشگاه آزاد واحد تهران	صفحه‌دارا:
دکتر محمد سپهری	علی قدری
استاد گروه تاریخ و تحدیث ملل اسلام دانشگاه آزاد واحد خوارزمی	لاظر چاپ:
دکتر سید اصغر محموطالبی	
استاد گروه تاریخ دانشگاه آستانه امام رضا	
دکتر سید علیرضا والسعی	

Digitized by srujanika@gmail.com

دستگاهی: پهلوان، پنک، ده و پنک، دلخواه، امیر، مهر، احمد، سه امین، ابراهیم، ناصر، ابراهیم

ویکی‌پدیا از مقاله‌ای دربارهٔ این اتفاق ندارد.

Journal of Clinical Endocrinology and Metabolism, Vol. 144, No. 11, November 2009, pp. 2233–2240

وهو من اهم ادوات اقتصاديات الاتصالات، حيث يوضح اهمية كل مكون في تطوير الاتصالات.

卷之三十一

دانش: مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری - پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) این نشریه در «سیراں تروریان» نظام شناسی مراکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری به نشانی این‌نشریه در «سیراں تروریان» نظام شناسی مراکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری به نشانی www.icsc.gov.ir نشانه می‌شود.

تأثیر فناوای جهاد با هنفیین در مردم سیستان و بلوچستان دوره جنگ جهانی اول^۱

عباس سرافرازی^۲

چکیده

النوم ساکن در سیستان و بلوچستان در شالهایی که به جنگ جهانی اول انجامید، بر اثر تبلیغات و کارهای متحدین و مختلفین، به هواداری از آنان پرداختند. کارهای ا manus ها و رهبران ازدی خواه ایرانی و فعل شدن حزب دموکرات در کرمان، در مردم سیستان و بلوچستان تأثیر می‌گذاشت و با اینکه این دو ناحیه پیشتر پر از حوادث خداحافظی شده قاره تأثیر پذیرفته بودند. حوادث عتمانی و هند بر صد سلطه بیگانگان در ایران بسی ازتر نبود و هم‌گوش ایرانیان با عثمانیان، آنکه را به پشتیبانی از آنان بر می‌انگیخت. تقسیم ایران بر اساس قرار ۱۹۰۷، اسلام‌ستیزی غربیان و اندیشه اتحاد در جهان اسلام، شور و شوق فراوانی بوای مبارزه پدید آورد. جنگ جهانی اول، واکنش و تحركاتی میان علمای شیعه و اهل سنت برانگیخته هر دو گروه فناوای جهادی صادر کردند و بر باهه آرها، حمه مسلمانان جهان را به جهاد هرآ خوشنده شعبان ناجه سیستان به دنبال فناوای جهادی علمای خود و اهل سنت بلوچستان به دنبال نتایج جهادی علمای اهل سنت، به مبارزه با انگلیس‌ها پرداختند. فناوای جهادی در این مناطق چاپ و منتشر شد و شور مذهبی مردم شیعه و سنن منطقه را پولگیخت. انگلیس‌ها و برخی از حاکمان محلی و پرولان آنان، برای گرفتن فناوا من کوشیدند. احسانات خد انگلیس مردم جنوب، شرق ایران به دعمت علمای دینی، بر این دلالت من کند که مبارزه و جهاد با نیروهای بیگانه در ایران به حرکتی علی - مذهبی بدل شد و برگزار از مذهب و فرمیت خاصی، به مقاومت در برابر بیگانگان پرداخت.

واژگان کلیدی

سیستان، بلوچستان، جنگ جهانی اول، فناوای جهادی، مختلفین، متحدین.

۱. تاریخ دریافت: ۸۳۸/۲۹. تاریخ پذیرش: ۴۷۵/۶

۲. دانشیار دانشگاه مشهد، گروه تاریخ، مشهد، ایران. AB.SARAFRAZI@UMAC.IR

طرح مقاله

جنگ جهانی اول در بسیاری از نقاط ایران، مردم را به صلح کشاند. مردم ترکیب جنوب شرق ایران (سیستان و بلوچستان)، در مقاومت در برابر انگلیس‌ها، بسیار تأثیرگذار بودند. انگلیس‌ها به تجربه و تجربی این دو ایالت ایرانی در دوره ناصرالدین شاه قابدار نمی‌گردند و مردم این نواحی از دخالت و حضور آنان در منطقه شدند. خشنود نبودند. هم‌زمان با آغاز جنگ جهانی اول، علمای اصادر کردان فناواری جهادی، مردم منطقه را بر متفقین و انگلیس‌ها شوراندند و زمینه‌هایی را برای تحقق هدف‌های اسلامی‌ها و عثمانیان فراهم کردند. مردم سیستان و بلوچستان بر اثر حرکت‌های مذهبی هدف و عثمانی و مراکز مذهبی شیعه هاند. هفتاد عالیات و ایران و با تأثیرپذیری از آن فناواری جهادی، مانع انگلیس‌ها را تهدید کردند.

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله، تاریخی و بر پایه مدارک و اسناد استخراج است. با بررسی متون تاریخی با روی کرد تاریخ‌بزوی جدید، داده‌های تاریخی از منابع و متون استخراج شدند و پس از ارزیابی از آنها استفاده شده است. محقق در روش تاریخی با مشاهده نامستقیم و به پلتوله منابع و اسناد و مدارک، به تجربه و تحلیل و قیمتی می‌پردازد. از این‌رو، این روش این بیرونی از منابع اسناد و مدارک تاریخی است که بدانها دسترسی نهست.

پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق

چه عواملی در برانگیختن مردم توافق جنوب شرق ایران در ماجراهای جنگ جهانی اول تأثیر گذاشتند؟
تأثیری فناواری جهادی علمای شیعه و سنی در برانگیختن مردم در برایر متفقین چه بود؟
مردم منطقه در برایر بیکانگان جگونه رفتار کردند؟

فرضیه‌ها

مسائل دینی و مذهبی و ناشنوادی‌های مردم منطقه جنوب شرق ایران از

انگلیس‌ها، در برانگیختن آنان تأثیر گذاشتند.
فناواری سپاهادی حملهای شیعه و سنی در باره متفقین، در مقاومت مردم تأثیر گذاشت
مردم متفقه با روی آوردن به شیوه‌های جنگ مسلحانه و مقاومت منفی، در برابر
متفقین استفاده کردند.

هدف و ضرورت پژوهش

با توجه به رویدادهای سال‌های اخیر در پاکستان و شبہ قاره هند با رویدادهای
کنونی در این کشورها و نقشه‌های استعماری که در بین اختلاف‌انگشتی میان مسلماناند و
با توجه به اینکه استعمارگران می‌خواهند وقای شیعیان و اهل سنت را در سوریه، لبنان و
عراق از میان ببرند و طرح‌های خود را در این کشورها اسرا کنند، گمان می‌رود شبہ
قاره هند از جای‌هایی باشد که آستان در آینده به آن رویدادهای آورد و سیستان و
بلوچستان ایران را نیز از این پدیده تأثیر خواهد پذیرفت. توجه به مسائل وحدت بخش
تاریخی و نشان دادن در عهای مشرک همه مسلمانان، به افزایش وحدت مسلمانان در
جهان اسلام می‌اجامد. دیدگاه‌های یکسان علمای شیعه و سنی درباره جنگ جهانی
اول در برابر انگلیس‌ها و کارهای مشترک مردمان جنوب شرق ایران در مبارزه با
اشغالگران، پدیده مثبت در راهبرد (استراتژی) وحدت در اندیشه سیاست اسلام به شعار
می‌رود. توجه به تقویت اتحاد مسلمانان بوجب از میان رفتن فرقه‌گرایی و تعصبات
قرمی و تزادی و بی‌اعتنایی به اختلافات مذهبی و مسلکی خواهد شد. وحدت عملی
مردم جنوب شرق ایران در آن زمان در برابر بگانگان، زمینه‌ای برای پیدایش وحدت
اسلامی فراهم می‌کند.

مقدمه

مداخلات بگانگان در ایران، هند و عثمانی دوران پیش از جنگ اول جهانی، به
واکنش‌هایی در این کشورها تجارتی که بی‌آمد آنها، از سطح باری - تبلیغی به سطح
عمل کشیده و مرجح صدور فناواری جهادیه در عثمانی، ایران و هند شد تکلیس‌ها از
سال‌ها پیش از جنگ اول جهانی در نالب استعماری کستردگی، در هندوستان حاضر
بودند. هم‌چنین روسیه و انگلستان در ۱۹۰۷ میلادی (۱۳۲۵ق)، ایران را به دو نصف



متاثر از نفوذ خود تقسیم کردند و در قالب نظامی، مستقیم در ایران حاکم شدند. این حضور افرون بر اینکه نیروهای سیاسی را به مبارزه با بیگانگان درگیر کرد، نیروهای مذهبی و علمای شیعه و سنی را مبارزات سیاسی و عملی با بیگانگان را داشت. از دید مذهبی، سه مرکز مهم جهان اسلام در آن زمان در حرکت‌های ضد انگلیسی و ضد سلطه بیگانگان در جنوب شرقی ایران تأثیر گذاشتند: کشورهای عثمانی، هند و مرکز مذهبی شیعه در عحالت حالات و ایران. مردم این مراکز بیش از ساکنان دیگر جای‌ها در این زمانه تأثیرگذار بودند و بر اثر مواجهه‌هایان با بیگانگان و فرونسی‌ها خارجیان در سوریستان، در پراپر مستعمران شدیدتر رفتار می‌کردند. جنوب شرقی ایران از بخت‌هایی بود که ساکنشان بر اثر فناواری جهادی علمای شیعه و سنی (در سیستان) بر اثر فناواری علمای شیعی، در بلوجستان و عثمانی و هندوستان بر اثر فناواری اهل‌سته به واکنش‌های نظامی سخنی در برابر انگلیسی‌ها داشتند.

طرح فرمادن تعابندگان آلمانی و تُرك را به ایران و افغانستان و مرزهای شمالی را خرسی هند، شخصیتین بار انور پاشا وزیر جنگ امپراتوری عثمانی و سیاست‌مدار معروف و بالفوذ تُرك، بیش‌بهاد کرد (مورخ‌الدوله، ۱۳۳۶-۱۳۵۸). مقام‌های ارشد آلمانی طرح ایران پاشا را تایید و بر نام‌مربری کردند که با طرح فربه اسلامی جهاد و به دست آوردن توافق علمای اهل‌سته همچون شیخ‌الاسلام عثمانی و رهبران شیعه ایران و عحالت حالات، افرون بر تحریک مسلمانان ایرانی و هندی، حبیب‌الله خان امیر افغانستان با آنان هم‌سو شود و پس از آغاز شورش و ناصلن در مرزهای جنوبی‌شرقی ایران همچون سیستان و بلوجستان و ایالت‌های شمالی و غربی هند، نیروهای مشترک تُرك‌آلمانی، افغان و بلوچ به رهبری امیر افغانستان به هند حمله کند و زمیه شکست بریتانیا را در مستعمره هند تراهم اوئند. این کار با سرانگیختن صردم سیستانی و بلوچ (جنوب شرقی ایران) و با استفاده از احتمالات مذهبی و گسترش فتواهی‌ای جهاد، صورت می‌پذیرفت. بنابراین، «هیئت‌هایی از جمله جند افسر آلمانی همراه این گروه‌ها به ایران اعزام شدند تا از طریق سیستان و بلوجستان گذر تعابند (نظام حاکم، ۱۳۶۲-۱۳۶۳).

آلمانی‌ها از گروایش‌های مذهبی گسترده رایج در جامعه ایران آگاه بودند. از این‌رو،

تصیم گرفتند از آن به نیکی بهره ببرند و اسلام آوردن قیصر آلمان را مطرح کردند و می خواستند با انتشار فناواری علمای شیعی و سنی در سراسر ایران «رباره» متفقین، جهاد با جنگی مقدس بر ضد متفقین راه یابندارند. آلمانی ها در دشمنی و آسیب رسانی به اسلام و مردم ایران پیشیه ای نداشتند و از این رو، مردم به آنان اعتماد کردند.

پیشیه جهاد و دعوت اسلامی هد و تأثیرش در ایران

جهاد و دعوت اسلامی در هندوستان از قرن هجدهم آغاز شد: هنگامی که شاه ولی‌الله از علمای مسلمان هند، به احمد شاه ابدالی نامه نوشت و از او خواست برای احرار فریضه جهاد به هند بورش ببرد و مسلمانان را از دست کفار برهاند (شیل، ۱۳۸۲: ۶۰). فرزند ولی شاه عبدالعزیز نیز فتوایی درباره اداره الحرب بودن سر زمین هند حاصل کرده و با این کار از ۱۸۰۳ میلادی، نهضت اسلامی هند را بنیاد گذارد.

پیارز الدویله در حیدرآباد حرکت جهادی سازمان یافته ای در برابر بریتانیا پدید آورد (۱۸۷۹ م) و به جهاد با نیروهای انگلیسی برداشت، اما بر الر غود دستگاه اطلاعاتی بریتانیا در سند پس از زمانی دست گیر و اعدام شد (Imperial Gazetteer, 1909, p17). نیروهای مسلمان هندی از ۱۸۵۷ تا ۱۸۵۸ نیز، به انگلیسی ها بیار آسیب رساندند. اما با لشکر کشی گسترده، انگلیسی ها به ماحمل باریانی و بالاکوت، شورش های مسلمانان سرکوب شد (H.L.Neill, 1922, p25). دشمنان هند و عثمانی و جهان اسلام مشترک بودند. از این رو، هندی ها امید داشتند که به کمک امپراطوری عثمانی از سلطه استعمارگران رهایی یابند؛ چنان که سلطان بیاندگرای هند در دهه ۱۸۴۰، به دنبال حرکت شاه ولی الله پیرو دعوه خلافت سلطان عثمانی بودند و توه شاه ولی الله به شاه محمد اسحاق به حجاز هجرت (۱۸۷۱ م) و از سباستها و روش های سباس عثمانیان پشتیبانی کرد (Aziz Ahmad, 1967, p123). این حرکت شاه محمد اسحاق مرجح شد که علمای پیرو مکتب شاه ولی الله و مدارس دهوند و ندوه العلما در هند، ادعای خلافت عثمانی ها را تلویح بذریند. دعوه خلافت عثمانی ها در آغاز نام بیش ترود اما خود معنی آنان در مسلمانان دیگر سر زمین ها مانند هند فرونسی گرفت؛ چنان که در لرآباد قیام مردم هد (۱۸۵۷ م)، با بهره گیری از حایگاه مذهبی

خیلیه علمانی نزد مسلمانان، به دنبال کاهش خدیت با انگلیسی‌ها از طریق تصحیح و دعوت بود.

مسلمانان هندی در انقلاب ۱۸۵۷ خندهستان ببار تأثیرگذار بودند و به رغم اینکه این سرکت را سربازان هندو آغواز کردند، مسلمانان با داعن زدن به مأموری‌ها، سود در مرکز انقلاب قرار گرفتند و به همین سبب پیشتر محققان انگلیسی در آن زمان از ولایت مسلمان با عتوان متصرف و یا غصه با دهنده نیز مسلمانان، جنگی را به عاملی برای سرنگونی سلطنه بریتانیا بر هند بدل کردند و خرد آن راه می‌بردند.
(Thomas R. Metcalf, 1965, p298).

مبارزه مسلمانان هند با بریتانیا، در کشورهای مهم اسلامی همچون ایران و عثمانی نیز تأثیر گذاشت؛ چنان‌که تاجران، مسافران هندی و دانشآموختگان مدارس دینی شبه قاره هائند مدارس تیپوت پیام این مبارزه را به مناطق مجاور هند می‌رسانندند و رهیلان و اندیشه‌ورزان مسلمان آن روزگار در ایران و عثمانی همچون سید جمال الدین اسدآبادی و سلطان عبدالحمید، اندیشه «بان اسلامیستی» خود را به مسلمانان هند و مرزهای آن می‌رسانندند. پس از گسترش فشاری اسلامی در ساره دار الحرب خواتین سرزمین هند و واحظ شدن جهاد با فرنگیان بدوزایه بریتانیا، مسلمانان هندی دسته دسته به سوی ایالت‌های شمالی و غربی هند و مرزهای آذج‌سرازیر می‌شوند تا در قالب جهاد اسلامی، با بریتانیا بجنگند.

مسلمانان از این زمان بریتانیا را بدترین دشمن خود می‌دانند؛ چنان‌که امیر اطهوری بریتانیا نیز آنان را بدترین دشمنش در شبہ قله، می‌شمرد. افزونی بر این، تبلیغات علمای مذهبی و هجرت مساجدان مسلمان هندی به سوی مرزهای شمالی و غربی هندوستان، اندک اندک این دشمنی را به مناطق هم‌ایه آنجا، یعنی بلوجستان و افغانستان کشاند پیشنهادی از دشمنی با انگلیسی‌ها در مناطق همچون بلوجستان و افغانستان بر اثر لشکرکشی‌های بریتانیا و دخالت‌هایش در آن سامان رخ می‌نموده، اما بر اثر تبلیغات مسلمانان هندی، مبارزات بلوج‌ها و افغان‌ها با بریتانیا از نگرانهای مذهبی برخوردار نشد.

با شکست قیام هندی‌ها در انقلاب ۱۸۵۷، چند تن از بقیه السیف انقلابیان مسلمان

همچون مولانا محمد قاسم نانوتوی و مولانا رشید احمد کنگوزه، در دیوبند (از دیکی دهالس)، مدرسه‌ای را پیاد کیارند (۱۸۷۶ م/۱۲۹۴ق) که در آینده در اندیشه‌های سلمانان منطقه تأثیر گذاشت. این مدرسه تباهه‌روزی که «دارالعلوم دیوبند» نام گرفت، بر پایه بیزاری از حکومت بریتانیا استوار شد و شمار فراوانی از خالیان علوم دینی به تنها از ایالت‌های شمالی و غربی هند که از مناطق دوردست همچون بنجاب، بیکال و حتی افغانستان، ام ان و آسای مان، برای علم‌آموزی داهر آن می‌شدند.

بس از اینکه نیلیغات خد انگلیسی رهبران مدارس دبیوند از هندوستان تا فروزانی شمالی و طربی اش (افغانستان و بلوجستان) گستردۀ شد و قیام‌های فراوانی بر خد انگلستان صورت پذیرفت، کسی از رهبران سلمان هند به نام محمود‌الحسن دبیوندی معروف به «شیخ الهنّه» در برابر بریتانیا ایستاد و در قتل جهاد با استعمار، حرکت کرد او می‌حواسست با شکست خادن و اخراج انگلیس‌ها، حکومتی اسلامی بنیاد گذاشت و زمام کار مسلمانان هند را به دست خودشان پیاره انجمن «ثمرة التربية» به فرمان شیخ الهنّه برای سازماندهی داشت آمریختگان دار العلوم دبیوند و رسیدن به هدف اصلی این تشکیلات؛ یعنی مبارزه مفتر با انگلستان، تأسیس شد (۱۸۷۷م). علمای را که به مناطق خوش در بلوجستان، افغانستان و دیگر کشورهای اسلامی باز می‌گشتد سام آموزهای این انجمن، به خد تبلیغ درباره بریتانیا و «حوت مردم سلمان آن مناطق به سچاد با آن، می‌پرداختند (تصویری: ۱۳۷۶، ۱۱).

بنابراین، رهبران مذهبی مسلمانان منطقه به ویژه علمای مذهبی قبائل بلوج که امولوی، نامیله منشدند، کارهایی را در زمینه تبلیغات جهادی و دعوت سرداران قبائل بلوج برای مبارزه با انگلیس‌ها (به گفته ملاها کافر)، سامان دادند به اورود حسنین دسته از ملاهای دیوبند به بلوچستان ایران همراه با دوران صعف حکومت ناجار و سال‌های آغازین انقلاب مشروطه، پیوند نزدیکی میان سرکت‌های اسلامی هند و قیام مسلحانه سران قبایل بلوج در پیلوی یزدانیا برقرار شد.

تأمین حنفی خلافت هند و فتاوی علمای سنت در صد سیستان و بلوچستان

برخی از مسلمانان در نسبه قاره هند پیرو جمیش علمای دیوبند و ندوه العلماء شدند و رهیوان آنان از مکتب اتحاد اسلامی سید جمال تأثیر یزدیرفتند که علمایین ملائمه شیخ

عبدالقدار ذهیانوی، مولانا رشید احمد و مولانا محمود حسن در جبهه آنان بودند. پیشتر رهبران نکری - سیاسی هندستان در دهه‌های آخر سده نوزدهم را اوایل سده بیستم، در علیگر، چیز آموخته بودند (اعزیز احمد، ۱۳۸۸: ۱۸۹). رشد جوان مکتب اصلاحی و اتحاد اسلامی از سید حمال آغاز شد و مولانا محمود احسن (۱۲۷۰- ۱۳۶۰)، رهبر دوین نسل استادان بودند کوشید که از طریق تبادل استادی شکاف دیوبند و دانشگاه اسلامی نوگرای علیگر را پر کنند. ارتباط‌هایی در این زمان با شواحی دیگر همچون اسپای مرکزی و ایران و افغانستان برقرار شد. کسانی برای تحصیل به هند رفتند و مدارسی در شمال غرب هند پدید آمد.

رهبرانی از اهل سنت بلوجستان هاند مولوی عبدالله سرمایی در سال‌هایی که به جنگ اول جهانی انجامید، در ناحیه مکران و ملا ملکشاه گیگوره در سرحد، از مشاوران نزدیک سرداران بلوج سرحدی و طوابیف دائمی مائند جیند خان (جهنده خان)، خبل خان گشاذری بودند (کرد ۱۳۸۶: ۲۲۸). اینان از رهبران اصلی بلوج به شمار می‌رفتند که در سال‌های نهضت جنگ جهانی اول با انگلیس‌ها و زنگال‌های انگلیسی برویه زنگال دایر شدند و به انگلیس‌ها در سرحد ایلان آسیب رسالتند. زنگال دایر آنان را «بهاجان سرحد» نامید اما آنان را باید «مدافعان سرحد» نامید (دابر، ۱۳۷۶: ۷۶). افزون بر این، شماری از مولوی‌ها مائند فر محمد که مشاور جمعه‌خان اسماعیل زهی بود، مولوی شاه محمد محمدانو، قاضی خیر محمد حسن زهی و دیگر مولوی‌ها ازند مقدم، ۱۳۷۱ (۱۹۴۶)، از علمای محله در داب (زاغدان) و رهبران مذهبی قبایل اسماعیل زهی به آنان کمک می‌کردند. مقامات بریتانی از زند و گترش پان اسلامیم و کارهای گسترده ضد انگلیسی علمای دیوبند در بلوجستان آکاه شدند و به قلع و قمع و دست‌گیری بسیاری از این رهبران دینی و فقط ارتباط آنان با امراء اکثر حساس همچون هند افغانستان و عثمانی فرمان دادند (Kohn Hans، 1929، p54).

اما آنر نهضت مذهبی مردم بلوجستان در برایر انگلیس‌ها، خاموش شد و حتی برخی از رهبران مذهبی بلوجستان ایران مائند مولوی عبدالله، به نجس بودن انگلیس‌ها فتواد و گفت: انگلیس‌ها کافرنند، خونک هستند، نجسند، هر مسلمانی که کمک کند به انگلیس‌ها، کافر می‌شود (ازند مقدم، ۱۳۷۱: ۲۲۵). رنجش مسلمانان هندستان و

کشورهای هم‌سایه در مرازهای شمالی و غربی آن سرزمین از مسیحیان به مریده بربنایها افرادش می‌باشد و با حمله اینالیا به لیبی، اعلام قیومیت فرانسه درباره مراکش و سنجی بالکان افرون برقرارداد ۱۹۰۷ روبرو و انگلیس در زمینه تقسیم ایران ریسب‌افکنی روس‌ها به مشهد، تشدید شد و بر اثر تبلیغات علمای درین، به بیزاری و «شمنی سخنی بدل گردید و زمینه را برای ناخست‌سازی و انگلیس‌گرایش‌های خود غربی مسلمانان فراهم کرد (هارددی، ۱۳۶۹: ۲۹۵).

ابوالکلام آزاد از مسلمانان معروف هند با دعوت از همه مسلمانان جهان به پشتیبانی از ترک‌ها اعلام کرد که دشمن عثمانی دشمن اسلام است (همان، ۱۳۶۵). خدیث با بریتانیا در ایران (اعطا حق شبهه و منع نشینی) نیز بسیار افزایش یافت بود. علمای دیوبند با گسترش کارهای خود انگلیسی خود در بلوچستان، کسان بسیاری را از سرداران یا نفوذ بلوج همچون بهرام خان بارانزاں و برکت‌خان جاسکن به سوی خویش کشانده بودند (G. Bayliss, 1914, p146).

از سوی دیگر، گزارش این حرکت نهادیدآمیز با شعارهای اسلامی، عثمانی بیش از حیگ جهانی اول در روزنامه روسی (نژاده و رعناء) بازتابیده بود. این روزنامه این حرکت را نهادیدی بزرگ خوانده و نویته بود: کمیته زن تورک (ترک‌های جوان) چندی است که برای استیلاجی تقدیم دولت عثمانی بر تمام ملل مسلمان اقدام می‌کند و تعابنده کمیته مزبور به نام احمد خسیاء بیک به ایران آمده و در چند نقطه سخنرانی‌های مفصل نموده که اسباب این شده، مردم بارانزاں از این نقاط صلح نامه‌های راجع به اتحاد و اتفاق با مسلمانان عثمانی را اضطراء نماید (دوام مارس ۱۹۱۱) (ترکان، ۱۹۷۶).

اعلام جهاد و خواصی علمای عثمانی و اوضاع بد ایران که با عقد قرارداد ۱۹۰۷ امپلادی میان روسیه و انگلیس همواره زمینه تجاوز این دو کشور را به ایران فراهم می‌کرد. علمای بسیاری را در ایران، کربلا، نجف و دیگر مناطق سنتی و شیعمنشین مطوف از سال‌های آغازین تبلیغات پان اسلامیت عثمانی به سوی جنبش‌های خود انگلیس کشاند و در زمان کوتاهی واکنش‌های شایسته‌ای به این دعوت‌ها صورت پذیرفت و پاسخ‌های مثبت بسیاری به این دعوت صورت پذیرفت. دولت وابسته ایران، هر قتوایی را درباره جهاد با گسل داشتن عوامل خودش و بر اثر فشار دولت‌های

روسیه و انگلیس، روایت کرد و میانت مذهبی خود را از تصمیمات علمای عثمانی و بین‌النهرین مستقل می‌دانست.

صوفی آمبا پر اسد، از رهبران حزب ملی گرای قدر هندوستان و با دموکرات‌های متعایل به آلمان‌ها و خصه متفقین و عوامل عثمانی منحدرا آنان در ایران، سیار نزدیک بود. او رسمی در جایگاه دست‌باز راسموس عثمانی در بوشهر، به کارهای خصه انگلیس سجی برداشت و از پیروان الیکن‌های دیوبندی بود که در ایران به کارهای گسترده تبلیغاتی در کرانه‌های سکران (بلوچستان) می‌پرداخت و به سرداران بلوج همچون بهرام خان بارانزهی بارانزهی بارانزهی بسیار نزدیک بود (Asghar, S. R, 2007, p101; Sir percy Sykes, 1921 p101).

اتحادیهای استوار و رابطه‌ای نزدیک میان سرداران بلوج، رهبران آزادی خواه و دموکرات ایرانی بهویله در کرهان و تیروهای حزب قدر، عوامل عثمانی و عثمانی و رهبران حزب هندی قدر و عثمانی و رهبران دیوبندی در این زمان در جنوب شرق ایران پدید آمده بود که به نختین استادگی رسماً بهرام خان بارانزهی از بر جسته‌ترین سرداران بلوج ایرانی در برابر انگلیس‌ها انحامید و با اعلام رسمي او درباره استحکام و ناوابستگی اش به انگلیس و با حل خواندن همه فرآوردهای اجباری بر تائیباً، پوشش‌های گسترده‌ای دا به قلمرو بریتانیا در مرزهای بلوچستان با سکران (بلوچستان انگلیس) آغاز کرد (Jaspal sing, 2007, p247). به گزارش محروم‌نه کسی از کارگزاران سیاسی بریتانیا که زمانی این محاقيق را برمن زنیده است، مسلمانان ساکن ایالت‌های شمال خوبی هند و مرزهای آن‌جا (شرق بنگال، القستان و بلوچستان) از تبلیغات عثمانی و پیان اسلامیسم سخت تأثیر پذیرفته و بسیار شواعده، به انگیزه هم‌دردی با عثمانی پوشش‌های طراویی را به بریتانیا در این مناطق سامان دادند (valentile chiro, 1906, P12).

بسیاری درباره هم‌کاری گروه‌های مسلمان و سارز هندی با سران قبایل بلوج در بلوچستان و خوار ساحلی سکران در تحریر ایران بهویله مناطق کران‌ای گواه در دست است و افزون بر قیام قبایل بکوانتس در چاههار و جاسک، کسی از رهبران سارز را حزب قدر هند به نام صولی آسا در این مناطق ضعی بود. از سوی دیگر، ری روابط نزدیکی با عوامل عثمانی آلان و آزادی خواهان دموکرات ایرانی داشت و بارها در مناطق ساحلی بلوچستان ایران، بین‌النهرین بوشهر و هشتمانی آمد و شد من کرده

(asghar, S.B , 2007, P57)

دھوت رسمی شیخ الاسلام عثمانی از مسلمانان سراسر سالک لسلام برای پیوستن
به جهاد در برابر عربیان، امیر امیری بریتانیا را در این منطقه ساخت تهدید می کرد؛
بنابراین که بسیاری از مسلمانان متعصب ساکن مرزهای هندوستان در آزادی برگرفتن
سلاح و جهاد با انگلیسی های کافر بودند (T.E.Lawrence, P49).

تأثیر فتواهای جهادی علمای شیعی در مردمان جنوب شرق ایران

رویدادهایی که در سرزمین های عثمانی و هندوستان بر ضد سلطه بیگانگان به ویژه
انگلیس ها نکل می گرفت، در ایرانیان نیز تأثیر می گذارد. ایرانیان از مداخلات گذشته
روسیه و انگلیس در کارهای داخلی کشورشان رنجیده و از آنان برگشته و به آلمان ها
گوایده بودند. هم گئین ایرانیان با عثمانیان، آنان را ب پشتیانی از عثمانیان
بر می انگیخت. حرکت های ضد متفقین در ایران مانند حمله ابتلای به لیبی و اشغال آن
سرزمین (۱۹۱۱م)، جنگ های بالکان بر ضد عثمانی (۱۹۱۲ و ۱۹۱۳) و خس
اشغال گری نظامی روسیه و انگلیس در ایران و به توب زدن روس ها به حرم امام رضا
(ع) و جنگ جهانی اول و روابطی متفقین با عثمانی، در این زمینه بسیار تأثیر بود.

پیش از آغاز جنگ اول جهانی، حرکت های اصلاحی شیعی فراوانی در ایران
پیدا شد. همه این انقلاب ها به رهبری رویحیان شیعی صورت می پذیرفت.
جیش تباکو به نشوای علمای شیعی پدید آمد و انقلاب ضد انگلیس عراق را
علمای شیعه عراق بدوزده مجتهد جلیل القدر آقا میرزا محمد تقی نیازی رهبری
کردند (صالحی، ۱۳۷۰: ۱۸۲). تنها دکتر عبدالهادی حائری از نویسندهای معاصر
گفته است: اعلام نتوای جهاد علمای شیعی بین روز بین سبب منسوب بود که نیروهای
نظامی دولتش ناسلمان (بریتانیا)، کشور مسلمان شیعین عراق را تصرف کرده بود.
بنابراین، علماء خود را از دید مذهبی موظف می دیدند که در برابر کافران برخیزند.
هدف آنان این بود که با هم کاری گروه های دیگر عراقی مانند قبائل، ملیون، سنن ها و
شیعه ها، حکومت ملی عربی مستقلی در عراق پدید آورند (حائزی، ۱۳۶۴: ۱۶۸) به قول
از (Asat Vinogradov, 1972, p123)

احسات پشتیانی از متحدین در مطبوعات آن زمان، بسیار باز منتفقت، که اینها همه روزنامه‌ها از متحدین پشتیانی می‌کردند. تنها روزنامه‌های «رویداد» و «اخصار جدید» پشتیان متفقین بودند. کانون‌های ملی وابسته به حزب دموکرات در شهرهایی مانند شیراز، اصفهان، کرمان پدید آمد. دموکرات‌ها به پشتیانی از العائز‌ها پرداختند و این موجب شد که ژنرال باراک روسی با سپاهی به ایران حمله کند. پس از حمله نظامی روسی‌ها، سفر مهاجرت صورت پذیرفت و سران «کمیته دفاع ملی» را در قسم نائیس کردند و سراج‌جام سران مهاجر (حکومت مؤقت ملی) را در کرمانشاه پدید آوردند که برخی از رهبران مذهبی مانند سید حسن مدرس از حامیان عربی حکومت مؤقت بودند. حتی مدرس روزانه روزگار خداوند را بر عهده داشت. هنگامی که فوای عثمانی با انگلیسی‌ها در بین النهرین می‌جنگید، مهاجران ایرانی همراه با توانی عثمانی عقب نشستند و تا دو سال به عثمانی سفر کردند. مدرس روحانی مهاجران ایرانی بود که با سلطان محمد پنجم عثمانی در قصر «دلمه باعجه» دیدار و گفت و گو کرد. ری همچینی به دیدار سعید حليم پاشا ر طمعت پاشا وزیر کشور رفت که پس از عذر صادر اعظم شد امکن (۱۳۶۲/۱: ۲۲۹).

عراق بخشی از عثمانی و مناطق محترم نزد شیعیان به شمار من رفت. مراجع ایرانی عقیم عراق از آغاز جنگ جهانی به کارهای های سیاسی - تبلیغی و جهادی می‌پرداختند. شمار فرارانی از علماء مانند حبیح اسلام و آیات حظام، سید محمد کاظم طباطبائی بزدی، سید محمود و سید مصطفی کاتانی و فرازدش سید ابوالقاسم کاشانی، سید محمد تقی خوانساری، سیرزا محمد تقی شیرازی و دو فرزندش، شیخ الشریعه اصفهانی، سیرزا محمد حسین تاتی، سید ابوالحسن اصفهانی، سیرزا مهدی آیت‌الله‌زاده خراسانی، سید اسماعیل بزدی، شیخ جواد طرزند صاحب جواهر، بخارالعلوم زاده، سیرزا ابراهیم سلمانی کاظمی و شماری از علمای عرب شیعی که پیشتر اهل عراق بودند، هم‌گام و همراه با علمای ایرانی و اهل سنت، به دست درازی‌های پیگانگان به ممالک اسلامی، ساخت پاسخ دادند (صالحی، ۱۳۸۰: ۲۰۱). واکنش پیشتر علماء به جنگ و مداخلات پیگانگان در ایران، بسیار شدید بود و فناواری سجاد‌بیانی صادر شد که بس درنگ کردنی است.

این فتوایا، همه مسلمان جهان را به جهاد فراخواندند و احلاطیه‌ای در میان زمینه به اضای شیخ‌الاسلام دولت عثمانی و ۲۸ نفر از دیگر رهبران مذهبی حاصل شد (۲۳ نوامبر ۱۹۱۶) (George Antonius, 1966, p141). گروهی از محققان فتاوی جهادیه علمای شیعی را بیرون فتوای شیخ‌الاسلام استانبول «خبری افتدی» مندانه که در پاسخ به چند استفتا جهاد را بر همه مسلمانان جهان و مسلمانان درگیر به سلطه حکومت‌های بریتانیا فرسته روسیه، واجب عین اسلام داشته بود. این فتوا هم مسلمانان جهان را به جهاد فرامی‌خواهد. یعنی دولت‌آبادی و هوشمنگ مهدوی و پیغمبر آری ایگلیس معتقدند فتوای علمای شیعی از فتاوی علمای عثمانی تأثیر پذیرفته بسیار دولت‌آبادی نوشته است:

دولت عثمانی داخل جنگ شد و بر ضد روسیه و انگلیس و فرانسه قیام کرد
و از مرکز خلافت عثمانی حکم به جهاد مقدس صادر گشت و روحانیون
شیعه مذهب مخصوصاً مجاورین مبات خالات هم از آنها پرسوی کرده
سکم جهاد دادند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۲۸۲).

هوشمنگ مهدوی از نویسنده‌گان متاخر می‌نویسد:

در بد شروع جنگ جهانی شیخ‌الاسلام علی‌الله فتوای جهاد بر خد
انگلیس و فرانسه و روسیه را صادر کرد. این فتوا مورد تأیید مجتبی‌بن
کربلا و نجف قرار گرفت و از دولت ایران خواسته در کنار عثمانی در
جنگ شرکت کند. اما دولت ایران به آن ترتیب اتری‌ساز و ترجیح داد
بر طرف پماند (هوشمنگ مهدوی، ۱۳۶۲: ۳۷۲).

کسانی بر این بودند که فتوای جهاد علمای شیعه ایرانی مفهم عراق، تنها بر اثر آغاز جنگ جهانی پدید نیافرید، بلکه علماً چند سال پیش از جنگ جهانی نیز هنگام انتقال قری روسیه و انگلیس در ایران و انتقال قری ایالتا در لیسی، فتاوی جهاد به بسیاری در وجوب دفع و جهاد با متجاوزان به مملکت اسلام فرستاده بودند. آخرین خواصی، شیخ عبد الله مازندرانی و شیخ الشریعه اصفهانی، از علمای بودند که در این زمینه، فتواهای جهادی فراوان نوشته‌اند (صالحی، همان: ۲۰۵). پس از صدور فتاوی جهادی علمای مبات، سفارت خانه‌های روسیه و انگلیس به دولت ایران فشار آورده‌ند تا

انتشار اخبار جهاد و نظریات عثمانی را در روزنامه‌های ایران متوجه کرد. پیشتر علماء و مراجع شیعی، کتابیش در همه فتاوی جهادیه خود، هجوم دولت‌های مختلف را به کشورهای اسلامی، تابوری استقلال و از میان رفتن اتحادیت ارضی، ممالک اسلامی تعبیر کرده و «حفظ یقین اسلام را قرین و توأم با حرامت تغور مسلمین دانسته‌اند. برای نمونه در نزای سید محمد‌گاظم طباطبائی آمده است: «واجب است بر عشایر و فاطمیین تغور و عموم مسلمین مستحبین اگر در حدود من به الکفایه نباشد، حفظ حدود خود و دفاع از یقین اسلام به مقدار قدرت خود بتمایله (اسلامی و کاووسی، ۱۳۷۵: ۶۴).

افزون بر بلوچ‌ها در ناسیه سیستان (جنوب شرق ایران)، شیعیان این منطقه بر اثر نقاوی علمای شیعی و تبلیفات خسرو لکلیس آلمانی‌ها به مبارزه با انگلیس‌ها برخاستند. آلمانی‌ها نیز روش‌های تازه‌ای را برای نفوذ در منطقه و امبریو (استراتژیک) سیستان در پیش گرفتند استفاده از احیانات مذهبی مردم (شهوه و سری) منطقه، با پخش فتاوی علمای ساکن عبات و عثمانی، از این روش‌ها بود (محبوب، ۱۳۸۲: ۶۶). در سیستان مانند دیگر مناطق ایران و جوب جهاد را اعلام کردند و این خود بسی آمدھایی منسی برای امیر شوکت الملک علم حاکم سیستان داشت.

الف. هیل درباره فتاوی جهادی که به نگرانی شوکت الملک انجامید، چنین می‌نویسد:

ویروز تخری من خبر داد و گفت: مججهد اینجا فرمان اعفاضهای را از طرف مراجع تقیید نحف دریافت کرده که طن آن تمام صردم ایران را به جهت جهاد عليه روس‌ها و انگلیس‌ها امر کردند. مججهد فرمان را به امیر شان داده، ولی امیر گفته که موقت آن را مسکوت نگ دارد من هم گفتم لازم این فرمان به تمام شهرها رفته و ناگزیر منتشر خواهد شد (الف. هیل، ۱۳۷۸: ۷۹).

مقام‌های محلی سیستان به پیروی از سرکن انتشار احکام جهاد را منع می‌گرفتند، اما به نگارش هیل، این احکام به هر صورت در سراسر منطقه پخش شده بود و بر اثر نفوذ فراوان علمای مذهبی شیعی در ایلات رهایی کشور، جهاد با رسیه و انگلیس به

موضوعی سیار مهم بدل گشته بود و پیشتر اپلایت و قبایل ایرانی مانند کردها، بلوجها، بختواری‌ها و خشایر کرمان، دشتستان و تگستان برای اجرای حکم جهاد تاشکیبا بودند. باسخ مبتدا مردم و روحانیان سیستان به فتاوی علمای عتبات عالیات به اندازه‌ای گسترش داشتند که خلما و روحانیان در روستاهای منطقه با برقراری جلسات، این خوازرا برای مردم می‌خواندند و هراس انگلیسی‌ها موجب شده بود که مقام‌های محلی به گردآوری این احکام بپردازند و بر روحانیان فشار آورند. اسناد منتشر شده درباره سیستان به نام‌های روحانیان معروف منطقه همچون آقاپیرگی حسینی در منطقه چلنگ سیستان و آقا پیر سید علی، اخبار، می‌کنند که با توجه به جمع لشدن احکام به امر حاکم سیستان، «بروسی از سوابدها قلمص نموده و در نزه خود نگه داشتند و به هر صورت مسکن پایم مجتهدین را به اطلاع مردم رسانیدند» (سبیوب، ۱۳۸۲: ۲۷۵). بتاییر سند دیگری در اینباره «از فرار راهرت و اصله گریا آقا پیرگ در چلنگ مجلس فراهم نموده که توجه این نبل مجالس بر خلاف نقط ملوكانه و اعلان بی طرفی درلت علیه ایران است» (همان، ۲۶۵). «قل الادات، پیرگ حسینی (در سیستان) مردم را به جهاد و افتشش دعوت و قصد تقویت و جمع آری دارد. با به تعجب و تحریر است که جهاد با که؟ و به جهت چه علت؟ و اصل رانمی‌دانیم». «اثل اینکه اعلامتی در خصوص جهاد منتشر شده دستور داد، شد فوری جمع آری فرموده، نزد مخلص فرستادند. نگذاشتند دامنه باز کند و همین طور آقاپیرگ را بر حسب دستور العمل بنده تعقیب کردند (همان، ۳۴۶).

مقام‌های حکومیتی با توجه به فرمان مرکز و فشار سفير انگلیس، با شناسب به گردآوری احکام جهادی پرداختند و روحانیان منطقه را با ایزاوهای تهدید، اواعاب و زندان، او تبلیغات خود انگلیسی متع کردند، اما احسانات خود انگلیسی در سیستان به اندازه‌ای گسترش یافت که انتشار شایعه‌ای درباره بدیوش احکام جهاد در افغانستان و آماده شدن نیرویی دوازده هزار نفری از هرات، قندهار و کابل برای حرکت به سوی خاک ایران و اخراج نیروهای روسیه و انگلیس از کشور و نصب بیرونی اسلام در منتهی، به تنها زینت را برای شادی مردم نراهم کرد، بلکه بسیاری از خواه برای بیوسن به آن شکیبایی نداشتند.

پناه سند دیگری، کنصول سیستان نامه‌ای به شوکت الملک عالم فرستاد (شانزدهم رمضان ۱۳۳۲) و مصراحت از حاکم سیستان و قشات خواست که کارهای کسی را به نام شیخ جواد از سنجان نزدیک آقا ملا مهدی مجنهد، جلوگیری کند؛ زیرا از دید مقامات بریتانیا، وی به قصد دعوت مردم ایران به سورش در برابر انگلیسی‌ها، به آن منطقه رفت بود. او گفته بود اگر چنین نشود، حکومت بریتانیا ناگریز خودش به کمک تیروهای در خواستش از هندوستان، به زودی به سیستان می‌رود و در برابر چنین افراد و حرکاتی خواهد ایستاد (همان، ۳۶۱).

گسترش احساسات ضد انگلیسی میان مردم سیستان و پاسخ مساعد علمای شیعه منطقه به دعوت علمای حبیبات که به تأیید فتاوای علمای علمائی صورت گرفته بود، بر این دلالت می‌کند که گراشی به مبارزه و جهاد با تیروهای بیگان در ایران به حرکتی علمی و مذهبی بر کثار از توجیه به مذهب و فرمیت‌های خاص، بدال گردیده بود و به رغم اینکه مردم جای‌هایی همچون سistan بر اثر اوضاع خاص منطقه‌شان نمی‌توانست مسلحانه مبارزه کنند، به کمک ابزارها و امکانات موجود، بیزاری خود را با انگلیسی‌ها نشان دادند، برای نمونه، مردم سistan بر اثر تبلیغات ضد انگلیسی روحانیان شیعه، از فروش آذوقه، غله و دیگر مواد به انگلیسی‌ها خودداری کردند و این کار به پس از مشکلاتی سرگ فراری ماهران و مقامهای بریتانیایی مستقر در منطقه و اختراض رسمی کنصل انگلیس به حکومت سیستان انجامید. سپهر از شوکت الملک خواست که خودش به سیستان باید و با کشف عملت دشمنی مردم با بریتانیایی‌ها، آنان را به فروض لوازم و مراوده مستلزم با سفیر بریتانیا و دیگر نمایندگان این کشور وادارد (همان، ۴۱۲-۴۲۵).

او با فشار آوردن بر مردم سیستان و با ابزارهای گوناگونی چون نهدید و ارعاب و برداخت رشوه به عوامل محلی، توانست تا اندازه‌ای مشکل تأمین آذوقه را حل کند، اما پشتیبانی مردم از افراد و گروه‌های ضد انگلیسی در قالب‌های دیگری چون کمک به آمد و شد گروه‌ها و افراد ضد بریتانیایی (جتگ‌جربان بزرگ و دیگر مبارزان و عوامل آلمانی و اُتریش) از مزه‌های اندانستان صورت می‌پذیرفت.

(Maulana Syed Mohammad Majeed, 1991, p 258)

نتیجه

منطقه جنوب شرقی ایران در دوره پیش از قاجارها، از دید سیاسی و تاریخی بسیار مهم بود و در حصر قاجار بر اینکه فرانسه و روسیه مرزهای هندوستان را نهادند من گردند و آلتانی ها هم زمان با جنگ جهانی اول بر این تهدید افروختند این سرزمین ها اهمیت بیشتری یافتهند. ناخستی ایرانیان از روسیه و انگلیس و روی گرانی آنان از دولت قاجار ر گراش های مسلمان هند و عثمانی به متعددی، به گرایش مردم ایران به دولت های محور انجامد. گراش های ضد انگلیسی اقوام ملوچ در جنوب شرق ایران نیز از هم سایکی آنان با هند و فناوری علمی آن سامان و عثمانی، تأثیر بدبرفت و به کارهای در برابر انگلیس ها انجامد این کارها در ناحیه سیستان و لام دار حرکت های نیعیان ایران بود و به ساقه فناوری جهادی علمای شیعه این کشور و عتبات عالیات صورت می بدبرفت و مردم این ناحیه در قالب جلوگیری از خروج مواد غذایی از سیستان برای متفقین و نفوذ ختن مواد غذایی، به چنین کارهایی داعن می زدند. بلوج ها و سیستانی ها در برابر دست اندازی های انگلیس ها در منطقه خرد، استلا گی گردند و حسنه به عملیات نظامی ضد انگلیس دست زدند.

كتاب نامہ

- اف، هیل (۱۳۷۸)، نامه‌هایی از تھستان، ترجمه و تعلیل محمدحسن گنجی، مشهد، مرکز خراسان‌شناسی، آستان قدس رضوی.

- حائری، عبدالوهابی (۱۳۶۴)، تشیع و شرط طبت در ایران و نفس ایرانیان مقیم عراق، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

- دایر، ریچیتالد ادواره هری (۱۳۷۸)، مهاجمان سرخه، روایارویی نظامی انگلستان با سرداران بلوج ایرانی، ترجمه محمد احمدی، تهران، نشر فی دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۲)، حیات یحیی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فردوسی.

- زند مقدم، محمود (۱۳۷۱)، حکایت بلوج (کردنا، انگلیس‌ها) کتاب دوم، تهران، چاپ کارون با همکاری شرکت سینه.

- شیخ، جمال الدین (۱۳۸۲)، نهضت‌های اسلامی تبه قاره هند، ترجمه غلامحسین جهان‌تیغ، زاهدان، مؤسسه هفت اقیم شرق.

- صاحبی، محمدجواد (۱۳۷۰)، اندیشه اصلاحی در نهضت‌های اسلامی، چاپ دوم، تهران، انتشارات کیهان.

- صالحی، نصرالله (۱۳۸۰)، «جنگ جهانی اول و واکنش علمای ایرانی هنری عراق»، در مجموعه مقالات سینما ایران و جنگ جهانی اول، به کوشش صفا الحسوان، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه مرکز اسناد و تاریخ دینی‌اسلامی.

- صالحی، نصرالله و کاووسی، محمدحسن (۱۳۷۵)، جهادیه: انتاری جهادیه علمی و مراجع در جنگ جهانی اول، تهران، انتشارات دفتر سیاسی و پژوهشی.

- خزیر احمد (۱۳۶۸)، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ترجمه نفس لطفی، محمد جعفر پاسقی، تهران، انتشارات کیهان و شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- گرد، نورالله (۱۳۸۶)، چند شاهد ارجمند در کشور، تهران، انتشارات پویان فرنگار - محظوب فرماتی، لاهه (۱۳۸۲)، استاد حضور دولت‌های بیگانه در شرق ایران، مشهد، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و اسناد آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قلس، رضوی.

- مکنی، حسین (۱۳۹۲)، تاریخ پیوست ساله ایران، چاپ چهارم، تهران، نشر ناشر.

- منصورپوری، محمد سلمان (۱۳۹۷)، رهبری بزرگ آسیا، ترجمه خدابخش اسلام دوست، جاهان، حوزه علمیه جاهان

- مورخ دوله سپه (۱۳۹۶)، ایران در جنگ بزرگ (۱۹۱۰-۱۹۱۲ م)، ایجاد

- نظام مافی، رضالله (۱۳۹۷)، کتاب سی، مجموعه اسناد و متنون تاریخ، تهران، نشر تاریخ.

- هارדי، بیو (۱۳۹۹)، مسلمانان هند بریتانیا، ترجمه حسن لاهوتی، مشهد بنیاد لاهوتی، بیان یزو مشهای اسلامی، استان قدس رضوی.

- هوشگ مهدوی، عدال رضا (۱۳۸۴)، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

- Amal vinegador (1972), "the 1920 Revolt in Iraq Reconsidre red: the Role of tribes in National politics", ijmes, published by cambridge University press Article Stable URL.

- Asghat.s.b (2007), *A famouse uprising* from www.lawan.org. Retrieved on 2007/10/03.

- Aziz ahmad (1995), *studies in Islamic culture in the indian environment*, london.

- Bayliss.g.m (1987), *operation in Persia (1914 -1918)*, london: imperial war museum.

- George antonious (1965), *the awakening:the story of the arab national movement*, publishe December 1965 by simon publications (first published 1938)

- H.L.nevill (1912), *campaigns on the north – west frontier*, london, john murry.

- Imperial gazetteer of india (1909), *hydra abad state; cuitatia;government printing*, No publisher

- Jaspal sing (2007), *history of the ghadar movement*, janjab.org.uk retrieved on 2007/10/1.

- Kohn hans (1929), *A history of nationalism in the east*,translated by Margaret M.green, No publisher

- Me tealf Thomas.R. (1965), *the After math of revolt india(1857-1870)*, princeton, London and Princeton: Princeton University Press.

- Maulana syed muhammad meya sahib(1991), *tahrik-e-sheikh-al-hind*, labor roomy printers, pakistan

- Sykes,sirpercy (1921), *geographical journal*, vol.58 london on behalf of



the royal Geographical society, london. black well publishing.

- t.e.l awrence (1997), *the seven pillars wisdom an account of Lawrence's part in the arab Revolt*, published by Word worth Editions Limited 88 East Street, ware.Hertfordshire
 - valenile chirch (1906), *pam-islamic*, london: general, asian society.